

The Primacy of Invitation (Da'wah) in Islamic Jihad in Confronting the System of Disbelief (Kufr): A Comparative Jurisprudential Perspective with a View to the Gradual Revelation of Verses*



Maryam Alizadeh¹ 

Seyed Ali Seyed Mousavi² 

1. PhD Student, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

m.alizade0313@gmail.com

2. Assistant professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

sas.mousavi110@gmail.com

Abstract

In the discourse of Islamic jurists, Jihad is specifically associated with fighting in the cause of Allah and invitation (Da'wah) to Islam. It is considered an obligatory ruling (Wajib) grounded in Quranic verses, the Sunnah of the Prophet (PBUH), and the precedents set by the Caliphs during the conquests. Given the widespread nature of war and conflict during the era of revelation, accounting for the gradual revelation of the verses on fighting (Qital) is essential. However, this aspect has often been overlooked, and the methods employed by the Caliphs during the conquests were treated as a definitive precedent for future generations. While the realization of certain benefits (Masalih) and the avoidance of certain harms (Mafasid)—validated by the Legislator as the criteria for

۹۸
فقه
سیاسی
سال ۶، شماره ۲، ۱۴۰۴

* **Cite this Article:** Alizadeh, M. .; Seyed Mousavi, A. (2025). The Primacy of Invitation (Da'wah) in Islamic Jihad in Confronting the System of Disbelief (Kufr): A Comparative Jurisprudential Perspective with a View to the Gradual Revelation of Verses. *Jurisprudence and Politics*, 6(2), pp. 98-135. <https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74217.1111>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/04/17 • **Revised:** 2025/06/26 • **Accepted:** 2025/07/27 • **Published online:** 2025/10/02

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



legal rulings—require a gradual implementation due to the subject's importance or its prevalence in society, as seen in the gradual prohibition of intoxicants and the punishment for adultery, the same logic applies to Jihad. The methodology of this study involves substantiating the claim by analyzing gradual revelation and categorizing the verses, while regarding Islam as the ultimate "Virtue" (Ma'ruf) and disbelief (Kufr) as the ultimate "Vice" (Munkar). This research utilizes library sources through an analytical and critical approach; historical discussions are primarily incidental (istitradi). From the author's perspective, the available evidence demonstrates that not only does Jihad encompass a broader meaning than mere fighting, but defense also extends beyond defense against physical aggression. **The fundamental principle of the Islamic system's** confrontation with the system of disbelief is the utilization of all capabilities for the exaltation of the Word of Allah, the propagation and promotion of Islamic teachings, and the dismantling of warring tyrants (Taghut) through effective tools relevant to each era. Military force is thus considered the final resort in combating the vice of disbelief and tyranny.

Keywords

War, Peace, Qital (Fighting), Jihad, System of Disbelief (Kufr), Primacy of Peace, Primacy of War.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

أصالة الدعوة في الجهاد الإسلامي في مواجهة نظام الكفر من منظور الفقه المقارن مع الأخذ في الاعتبار التدرج في نزول الآيات*



مريم عليزاده السيد علي سيد موسوي

١. طالبة دكتوراه، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران (المؤلف المسؤول).
m.alizade0313@gmail.com

٢. أستاذ مساعد، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران.
sas.mousavi110@gmail.com

الملخص

لقد حُصرَ مفهوم الجهاد في كلام الفقهاء في القتال في سبيل الله والدعوة إلى الإسلام، وهو حكم وجوبي مستند إلى آيات القرآن الكريم، وسيرة النبي الأكرم ﷺ وخلفاء الراشدين في سياق الفتوحات. ونظراً لشيوع الحرب والنزاع في عصر نزول الآيات، يُعدّ الانتباه إلى النزول التدريجي لآيات القتال أمراً ضرورياً، إلا أنه قد وقع في غفلة، كما أنّ منهج الخلفاء في الفتوحات قيّد كمرجعية لسلوك الأجيال اللاحقة. في حين أنّ تحقيق بعض المصالح ودفع بعض المفسدات التي جعلها الشارع ملاكاً للأحكام، نظراً لأهميّة الموضوع أو لعموم الابتلاء به، يتّطلب في مرحلة الإثبات تدرجاً، كما يظهر في حكم شرب الخمر وحدّ الزاني والزانية حيث يرى بعض الفقهاء وجوب

١٠٠
فقه
سني

سال ١٤٠٤، شماره ٢، ص ١٠٠

* الاستشهاد بهذه المقالة: عليزاده، مريم؛ سيد موسوي، السيد علي. (٢٠٢٥). أصالة الدعوة في الجهاد الإسلامي في مواجهة نظام الكفر من منظور الفقه المقارن مع الأخذ في الاعتبار التدرج في نزول الآيات. الفقه والسياسة، ٦(٢)، صص ٩٨-١٣٥.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74217.1111>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ١٧/٠٤/٢٠٢٥ • تاريخ التعديل: ٢٦/٠٦/٢٠٢٥ • تاريخ القبول: ٢٧/٠٧/٢٠٢٥ • تاريخ الإصدار: ٠٢/١٠/٢٠٢٥

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



التدرّج في تطبيقه. فإنّ منهج الباحث في إثبات هذا المدعى يعتمد على النزول التدريجي للآيات وتقسيمها إلى طوائف مع مراعاة معروفة الإسلام ومنكرية الكفر. يعتمد هذا المقال على المصادر المكتوبة بمنهج تحليلي ونقدي، ويعتبر الدخول في المباحث التاريخية استطراداً في الغالب. ومن منظور الباحث، فإن الأدلة المتوفرة تُبَيِّن أنّ مفهوم الجهاد ليس محصوراً في القتال فحسب، بل هو أعمّ منه، كما أنّ الدفاع ليس محصوراً في الدفاع عن النفس ضد الاعتداء فحسب، بل هو أعمّ من ذلك أيضاً. إنّ جوهر مواجهة النظام الإسلامي للنظام الكفري يكمن في بذل كل الطاقات لإعلاء كلمة الله، ونشر وترويح مذهب الإسلام، وإزالة الطاغوت المحارب بأدوات مؤثرة في كل عصر. أما الوسيلة العسكرية، فهي آخر وسائل المواجهة مع منكري الكفر والطاغوت.

الكلمات المفتاحية

الحرب، السلام، القتال، الجهاد، نظام الكفر، أصالة السلام، أصالة الحرب.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اصالت دعوت در جهاد اسلامی در رویارویی با نظام کفر

از دیدگاه فقه مقارن با نظر به نزول تدریجی آیات*

id سیدعلی سیدموسوی id مریم علیزاده

۱. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

m.alizade0313@gmail.com

۲. استادیار. جامعه المصطفی العالمیه. قم، ایران.

sas.mousavi110@gmail.com



چکیده

جهاد در کلام فقهای اسلام به قتال در راه خدا و دعوت به اسلام اختصاص یافته و حکمی و جویی مبتنی بر آیات قرآن، سیره نبی اکرم ﷺ و خلفا در جریان فتوحات است. نظر به عام‌البلوی بودن جنگ و نزاع در عصر نزول، توجه به نزول تدریجی آیات قتال امری ضروری به نظر می‌رسد که مورد غفلت واقع شده و روش خلفا در فتوحات مستندی برای عملکرد آینده‌گان قلمداد شد. در حالی که نیل به یکسری مصالح و زجر از بعضی مفسد که شارع آن را به‌عنوان ملاک حکم، اعتبار کرده به دلیل اهمیت موضوع و یا عمومیت در ابتلا در مرحله اثباتی، نیاز به تدریج دارد، چنانچه در جریان حکم شرب خمر و حد زانی و زانیه نظر برخی فقها بر تدریج است. روش من در اثبات مدعا توجه به نزول تدریجی و طایفه‌بندی آیات با

۱۰۲

فقه و سنی

سال ۶، شماره ۲، ۱۴۰۴

* **استاد به این مقاله:** علیزاده، مریم. (۱۴۰۴). اصالت دعوت در جهاد اسلامی در رویارویی با نظام کفر از دیدگاه فقه مقارن با نظر به نزول تدریجی آیات. فقه و سیاست، ۶(۲)، صص ۹۸-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74217.1111>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

نظر به معروف بودن اسلام و منکریت کفر است. نوشتار حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با رویکردی تحلیلی و انتقادی است و ورود به مباحث تاریخی عمدتاً استطرادی است. از منظر نویسنده، ادله‌های موجود مبین این واقعیت است که نه تنها جهاد معنای اعم از قتال دارد بلکه دفاع نیز اعم از دفاع در برابر تهاجم است و اصل رویارویی نظام اسلامی با نظام کفر بکارگیری همه توان در اعتلای کلمه الله، تبلیغ و ترویج مکتب اسلام و برجیده شدن طاغوت محارب با ابزارهای اثرگذار در هر عصر است و ابزار نظامی آخرین وسیله مبارزه با منکر کفر و طاغوت است.

کلیدواژه‌ها

جنگ، صلح، قتال، جهاد، نظام کفر، اصالت صلح، اصالت جنگ.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با نگاهی به اوضاع اجتماعی جهان در طول تاریخ، جنگ و نزاع میان قبایل، سنتی جاری و بر همین اساس، اعراب سرزمین حجاز در عصر جاهلی بودند. پس از گذر از عصر نزول، به دلیل دلالت‌های مختلف آیات قتال، مختلف بودن اهداف جنگ در زمان حیات رسول الله ﷺ، عملکرد خلفا و حجت دانستن قول و سیره صحابه از نگاه اهل سنت و قدرت طلبی حکام وقت، در جمع بین وظیفه حکومت در تأمین اهداف اسلام و ارتباط با نظام غیر اسلامی، کنش‌های افراطی و تفریطی انجام گرفت و همین امر موجب ایجاد ابهاماتی شد که اساس شرعی رویارویی اسلام با نظام کفر در چیست؟ متاسفانه با وجود اهمیت این مسئله با تفحصی که انجام گرفت پژوهش متقن و نظام‌نامه واحدی تاکنون عرضه نشده است و عموم فقهای شیعه و سنی در کتاب‌های فقهی خود از همان قرون اولیه تا سده اخیر به اقتضای زمان و نیاز روزگار به بیان احکام جهاد پرداخته و بررسی اصل اولیه رویارویی با نظام کفر و واکاوی دقیق ادله مورد غفلت واقع شده است. در سده اخیر به دلیل بروز هجده‌ها به اسلام، برخی محققین شیعه و سنی متوجه این خلاء شده و کتاب‌هایی به رشته تحریر در آورده‌اند. از جمله کتاب «جهاد در اسلام» (۱۳۸۶) به قلم نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی؛ وی با استناد بر قرآن و سیره پیامبر ﷺ در مقام اثبات این نظر است که جهاد ابتدایی یا کفار جایز نیست و اطلاق آیات مطلقه جهاد، مقید به دفاع شده است اما نظر به نوع ادبیات گفتاری و بی‌توجهی در بیان ادله نتوانسته مدعای خود را به‌طور متقن به اثبات رساند. مقاله «اسلام اصالت جنگ یا اصالت صلح» (۱۳۸۴) اثر محمدعلی برزونی؛ در این مقاله دو دیدگاه صلح و جنگ مورد بررسی قرار گرفته و مؤلف با مناقشه به ادله‌های اصالت جنگ به تبیین ادله اصالت صلح پرداخته است. این اثر هرچند به دلیل احصاء ادله، دارای اهمیت است اما به جهت عدم متقن بودن ادله، بویژه ادله روایی که بیشتر آن دال بر فضیلت جهاد است نتوانسته است از دیدگاه خود به‌طور متقن دفاع نماید ضمن آنکه همچون بسیاری از کتاب‌های با عدم تفکیک بین نظام کفر و شخص کافر موجب خلط بحث در رویارویی با کفار شده

است. در بین فقهای عامه نیز کتاب «جهاد و خشونت» (۱۴۲۲ق) و کتاب «فقه السیره النبویه» (۱۴۲۶ق) به قلم شیخ محمدسعید رمضان البوطی، کتاب‌های ارزشمندی به حساب آمد هرچند وی صراحتاً به موضع مورد بحث نپرداخته است اما افق نگاه مولف به قتال به عنوان یک ابزار دفاعی برای حفظ عدالت و حقوق انسانی و آلیت جهاد دارای اهمیت. کتاب «رسالة التوحید» (۱۹۶۶) به قلم محمد عبده، هرچند عنوان کتاب، تعیین اصل در رویارویی با نظام کفر نیست اما در بیان مطالب در صدد رد اتهام خشونت در اسلام است و معتقد است اسلام بدون هیچ شمشیری ملت‌ها را به حرکت فکری واداشت و با تکیه بر شواهد قرآنی در ۷ قانون احکام جنگ را تنظیم نموده و با توجه به آیات قرآن به این نتیجه رسیده که اسلام جنگ تهاجمی را ممنوع و قتال دفاعی را محدود به دفع فساد و برقراری مصالح عمومی بشر نموده و آن را به ضرورتی تبدیل نموده که براساس درجه آن سنجیده می‌شود، هرچند وی در بیان دیدگاه خود به ادله قرآنی استناد نموده اما مناقشاتی به دلالت‌های آیات وارد است. کتاب «وحي محمدی» (۱۴۲۶ق) به قلم رشید رضا، وی هدف از تحریر کتاب را اثبات این مهم می‌داند که اسلام همه نیازهای بشر را پاسخ داده و یکی از اهداف قرآن را اصلاح نظام جنگ و جلوگیری از مضرات آن و محدود کردن جنگ به آنچه که برای بشریت مفید است می‌داند هرچند رشید رضا صراحتاً اصالت را به صلح نداده اما در بیان مدعای خود به ادله متقنی اشاره نداشته است. کتاب «آثار الحرب في الفقه السلاویه» (۱۳۹۷) اثر دکتر وهبه زحیلی، وی در این کتاب نظرات اصالت جنگی‌ها را به چالش کشیده و زیاده روی در اعتقاد به نسخ و شرایط آن روزگار را علت فتاوی می‌داند و در کتاب «وسطية الإسلام» (بی تا) در صدد است اسلام را دینی با اعتدال و تسامح نشان داده و خشونت و افراط‌گرایی را اتهاماتی می‌داند که بدخواهان به اسلام وارد کرده‌اند اما افزون بر آنکه مناقشات وی بر ادله اصات جنگی‌ها قابل ردع است، ادله وی نیز در تبیین نظریه اصالت صلح متقن نیست.

با وجود این تلاش‌های شایسته، پژوهشی که بیانگر این اثر پژوهشی باشد یافت

نشد؛ چراکه از نقطه نظر نویسنده، در رویارویی با نظام کفر نه اصالت به جنگ است و نه صلح بلکه اصالت با تلاش در دعوت با بهره‌گیری از ابزارهای مناسب هر زمان است. این نظر با بررسی نزول تدریجی آیات مرتبط در طول ۲۳ و روایات بدست می‌آید. چنانچه مسلمین در مکه نیز با توجه به شرایط و مقتضیات زمانه، مأمور به جهاد بودند و در مدینه قتال با مهیا شدن شرایط به‌عنوان یکی از انواع جهاد در فرایند رویارویی با نظام کفر واجب شد. با این بیان، نه تنها جهاد معنایی اعم از قتال دارد بلکه با توجه به اهداف قتال، دفاع نیز اعم از دفاع در برابر تهاجم نظامی است و هر نوع تهدید اقتصادی، فرهنگی و تهدید ارزش‌های اسلامی و تهدید بشریت؛ مستلزم به‌کارگیری تمام توانایی در مقابل آن است. نوآوری این اثر پژوهشی افزون بر توجه به سیر نزول آیات جهاد، و تعیین رویارویی با نظام کفر در هر زمان و مکان و اصل منکریت کفر و معروفیت اسلام، بلکه با طایفه‌بندی آیات و روایات پیرامون جهاد و الگوگیری از مراحل شش‌گانه طرح شده، نظام‌نامه رویارویی حکومت اسلامی با نظام کفر را تبیین کرده است؛ چراکه از منظر نویسنده قتال با کفار در عصر رسول ﷺ موضوعیت نداشته بلکه آخرین ابزار در رویارویی با کفار محارب بعد از به‌کارگیری همه‌توان در استفاده از اسلوب‌های اثرگذار بوده است. در رویارویی با نظام کفر در هر عصری، اصل «اصالت جهاد در دعوت» است؛ یعنی تلاش در دعوت و نجات با تاسی از الگوهای ترتیبی قرآن و روش پیامبر است و امروزه با تنوع مؤلفه‌های قدرت و متنوع شدن ابزار نفوذ و بسترهای تاثیرگذار، و تنفر جهان از جنگ و خونریزی ضرورت توجه به ترتیبی بودن راهکارها، دوچندان است.

چنانچه بیان شد اسلام در بستری ظهور کرد که برتری‌جویی، نزاع و جنگ بین قبایل حجاز، همچون دیگر مناطق جهان متداول بود، بدین‌روی رفع عادت و خوی طمع‌ورزی به سرزمین‌ها و پاکسازی مسیر دعوت از قدرت‌نمایی و تعصبات جاهلی همچون حکم حرمت خمر و حد‌زنا، محصنه، نیازمند حکم تدریجی و توجه به بستر روزگار بوده است؛ بدین‌روی پیامبر ﷺ در مسیر رسالت خویش ابتدا مأمور به تبلیغ

سپس مجادله به احسن و در نهایت با استقرار حکومت اذن قتال یافت.

با این بیان در مواجهه با نظام کفر و امتثال تکلیف، شناخت صحیح اسلام به عنوان یک ایدئولوژی الهی و شناخت مقتضیات زمان و مکان و الگوگیری از روش نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضرورت دارد و این نیاز به این خاطر است که احکام صادره از شارع دایر مدار مصالح و مفاسد است. در مواجهه با حاکمان جور در نظر گرفتن این امور، امری منطقی همگام با ملاکات احکام است. البته انطباق با مصالح زمانه همراهی با ذوق عمومی نیست بلکه چون ابزار رسیدن به ملاکات احکام در هر عصر فرق دارد گاه دعوت به توحید و رفع ظلم، ستیز و گاه به سبیل رحمت است. از این رو یکی از راهبردهای تحقق حکومت جهانی، همگام سازی اسلوب های دعوت براساس شرایط روزگار و نوع مخاطبین است و قتال در عصر نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موضوعیت نداشته و طریقی بوده است. البته این حقیقت روشنی است که در مکتب اسلام عقیده امری قلبی و سنت جاریه خدا آزادی انسان ها در انتخاب عقیده است اما سلب آزادی و ممانعت از دعوت و ابلاغ وحی به بشریت و نشر کفر و گسترش نظام سلطه مذموم است و در صورتی که جز با جنگیدن با ائمه کفر، امکان پذیر نباشد قتال با آنان تا برپایی حکومت واحده عادلانه موضوعیت دارد.

این نظریه مدعی اصالت جهاد یا صلح نیست؛ بلکه ادعا دارد در نیل به هدف اسلام که اعتلای کلمه الله و رفع فتنه و برپایی عدالت و امنیت در عالم است با نظر به مقتضیات هر عصر و مصالح مسلمین باید نهایت تلاش در بکارگیری از ابزارها در دعوت به فطرت و نهی از منکر کفر انجام گیرد که خود در بردارنده استفاده ترتیبی از مرحله خفیه به ثقیله است و به کل این فرایند دعوتی، جهاد با همان معنای لغوی اطلاق می شود که شعبه فردی و حکومتی دارد. از این رو اصلی که مسلمین باید در همه اعصار و مکان ها بدون در نظر داشت مانع غیبت به آن پایبند باشند "اصل تلاش در دعوت و نجات" است. بدین روی حتی مسلمانان جهان باید نهایت کوشش خود را برای دعوت به اسلام با ابزارهای مختلف و روش های اثر گذار به کار بندند و چه بسا هر تلاشی که با رویه های فرهنگی، اجتماعی ممالک، هماهنگ و مخالف با مقصد شریعت نباشد جهاد

محسوب شود. درحقیقت جهاد، تکلیفی است که یکی از مراتب و أنحاء آن بر عهده هر شخص مسلمان است و شروطی که در کتاب‌های فقهی در وجوب جهاد ذکر شده مختص مرحله شدیدة یعنی قتال ابتدایی است. براساس این نظریه اسلام مخالف طاغوت و کافر محارب است؛ بنابراین جهادی که اعظم فقها (عمانی، بی‌تا، ص ۱۰۸؛ قمی، صدوق، ۱۴۰۶؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶؛ ج ۱، ص ۲۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷؛ ج ۵، ص ۵۱۷؛ حلی، ۱۴۱۰؛ ج ۱، ص ۳۴۳؛ عاملی، ۱۴۱۷؛ ج ۲، ص ۳۰؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲؛ ج ۴، ص ۱۲۰؛ نووی، ۱۴۱۲؛ ج ۸، ص ۲۹۸) آن را واجب کفایی می‌دانند؛ بر ضد ملت‌ها نبوده بلکه بر ضد نظام‌سلطه و طاغوت و اسلام ستیز است. و اصل ارتباطی بین مسلمین با کفار دعوت به الله به منظور تذکره‌ای بر فطرت فراموش شده است که طبق بیان وحی (نحل، ۱۲۵) باید به اندازه‌ای که در دعوت به حق، اتمام حجت شود گفتمان فرهنگی و مجادله به حسن انجام گیرد و چون دعوت به اسلام معروف و کفر، منکر بزرگی محسوب می‌شود پایبندی به شروط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر در امثال این تکلیف انتظار می‌رود. و چنانچه در مقاله‌ای دیگر^۱ از نویسنده بیان شده این امور در صورتی اثرگذار است که به پشتوانه یک برنامه عملی و وجود مصلح انجام گیرد و با بسترسازی مناسب نه تنها از مستضعفین جهان حمایت شود بلکه با افزایش بینش اجتماعی و سیاسی در بین مستضعفان، اقدام علیه سلطه زدایی از جانب خود مستضعفین رخ دهد و نهایتاً در آخرین مرتبه جهاد که تحقق آن هم شرایطی دارد «مبارزه مسلحانه برای کمک به مستضعفین» در مقابل محاربین، با مشورت از متخصصین امر و بعید نیست قایل شویم رأی شورای خبرگان به جهت حصول عدول انجام شود. به نظر می‌رسد برای تحقق این مرحله اخیر، اجتماع و اتحاد مسلمین ضرورت دارد. این امر میسر نمی‌شود مگر با رفع موانع اتحاد مسلمین، بدین منظور در پایان این مقاله و نوشتاری دیگر^۲ پیشنهادهای ارائه شده است.

۱. همزیستی مسالمت آمیز و تمدنی نوین در پرتو صلح پایدار.
۲. همزیستی مسالمت آمیز و تمدنی نوین در پرتو صلح پایدار.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. **جهاد:** نهایت قدرت و توانایی خود را در چیزی به کار بردن (جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۹)، محاربه با کفار و مبالغه و استفراغ وسع و به کارگیری همه توان و ظرفیت در دفع دشمن در گفتار و کردار (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۰۸).

۱-۲. **قتال:** زایل کردن روح از جسد و بکار بردن این واژه به اعتبار کاری است که قاتل انجام می‌دهد و اگر به اعتبار فوت شدن زندگی باشد، موت گویند (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، صص ۱۲۹-۱۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۵۵۰).

۱-۳. **اصالت:** در لغت به معنای اساس شیء (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۴)، ریشه، پایه (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۸) و در اصطلاح مبنا و قاعده کلی (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵). در این پژوهش معنای اصطلاحی یعنی قاعده کلی و اساس مورد نظر است با این بیان اصالت دعوت در جهاد اسلامی در مواجهه با نظام کفر در جهت اثبات این نظر است که مبنای اولیه در رویارویی با نظام کفر، تلاش در دعوت است با همان معنای عام جهاد که بکارگیری نهایت توان و تلاش است

۱-۴. **دعوت:** به معنای متمایل کردن چیزی به سوی خود با صدا یا کلماتی که از شما نشأت گرفته، فراخوانی (مصطفوی، ج ۳، ص ۲۱۶). در اصل «الدعوة» به معنای فراخواندن به غذا هست (جوهری، ج ۶، ص ۲۳۳۶؛ صاحب بن عباد، ج ۲، ص ۱۲۵) و به نظر می‌رسد در طول زمان به دلیل وجوب دعوت به اسلام قبل از قتال، در اصطلاح شرع به دعوت به غذای روح یعنی اسلام شده است، چنانچه بیان شده پیامبر اسلام دعوت کننده به سوی خدا و توحید است (واسطی، ج ۱۹، ص ۴۰۵؛ فیومی، ج ۲، ص ۱۹۴).

۱-۵. **نظام کفر:** نظام در لغت به معنای ساختمان یا دستگاه سیاسی و اجتماعی (صدری افشار، حکمی، ج ۳، ص ۲۷۴۱) و کفر به معنای نامسلمانی بی‌دینی (صدری افشار، ج ۳، ص ۲۱۹۲). در نتیجه کشورهایی که دستگاه سیاسی-اجتماعی آنان بر مبنای دولت سکولار و بی‌دینی باشد نظام کفر اطلاق می‌شود.

۲. ادله قرآنی و نظر بر سیر تدریجی نزول آیات

آیات مربوط به قتال به ترتیب نزول با تعیین ۶ مرحله به شرح ذیل تبیین می شود:

۱-۲. مرحله اول: مقاومت و جهاد نرم در آیات مکی

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
۳	۱۰، مزمل	۱-۲-۱. طایفه اول: آیاتی که در مسیر دعوت دستور به تحمل اذیت مشرکین و حفظ نفس از برخورد با تندی و اجبار به دین دارد.
۳۴	۴۵، ق	
۴۲	۵۲ فرقان	۲-۱-۲. طایفه دوم: آیاتی که در دعوت و ازاحه باطل به نهایت کوشش در بکارگیری استدلال و رفع شبهات به وسیله قرآن و عدم مسامحه امر نموده و اطلاق آیات طایفه اول را مقید به عدم هر نوع مدافعه کرده است. و چنانچه صفح بلیغ تر از عفو (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۶) و به روی برگرداندن صفحه صورت از شخص گویند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۳۱). امر به روی برتافتن از مشرکین در صورت عدم پذیرش حق دارد که این اعراض از شخص (حجر، ۸۵-۹۴) و یا بی اعتنای به اقوال آنان (انعام، ۱۰۶)، اولین مرحله رویارویی با نظام کفر است تا بدین وسیله شرایط برای علنی نمودن دعوت مهیا شود (حجر، ۹۴) و چون پیامبر بر آنان سلطه ندارد نباید اجبار کند (غاشیه، ۲۲).
۵۴	۸۵-۹۴ سوره حجر	
۵۵	۱۰۶، انعام	
۶۸	۲۲، غاشیه	
۷۰	۱۲۵، نحل	۲-۱-۳. طایفه سوم: بیان روش ها و اصول تاکتیکی دعوت.
۸۵	آیه ۶-۶۹ سوره عنکبوت	۲-۱-۴. طایفه چهارم: نزول آیات امید بخش در عرصه جهاد با نفس (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۲۳) و یا اعم از دشمن نفس و دین (طبرسی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۲۳۹).

۲-۲. مرحله دوم: مشروعیت قتال دفاعی با مشرکین قریش و احکام آن، در آیات مدنی

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
آیه ۸۷	۱۹۰- بقره	<p>۲-۲-۱. طایفه اول: اذن و اباحه قتال دفاعی با محاربین قریش</p> <p>برخی فقها با استناد به آیه ۱۹۰ حکم به وجوب قتال (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ مازندرانی، ۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۲۲۷؛ مزنی، ۱۴۱ق، ج ۸، ص ۳۷۶؛ زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۲۶؛ ماوردی، بی تا، ج ۱۴، صص ۲۱۸، ۳۸۹) و عده ای بر وجوب قتال ابتدایی (اردبیلی، بی تا، ج ۱، صص ۳۰۷-۳۰۶؛ شریینی، بی تا، ج ۱۷، ص ۲۲۲؛ جمل، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۲۳) و برخی دیگر به وجوب قتال دفاعی (فتی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۶؛ سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲) حکم کرده اند.</p> <p>اما آنچه که عقل به آن نظر دارد آن است که دستور پیامبر بر صبر و مقاومت در طول دوران مکه علی رغم درخواست مسلمین به مقابله به مثل در برابر فشار مشرکین از یک سو و شکل گیری حکومت اسلامی با هجرت به مدینه و وجوب آن برای تازه مسلمانان از سوی دیگر، از جمله قیودی است که می توان ادعا نمود با شکل گیری سرزمین و حکومت اسلامی شرایط برای دیپلماسی های مختلف از جمله قتال مهیا شد و در حقیقت می توان گفت لازمه عقلی مواجه با نظام کفر که از حاکمیت سیاسی و قبیله گی عمیقی برخوردار بود با مسلمین که نه تنها در اقلیت بلکه فاقد حاکمیت سیاسی بودند، صبر و مقاومت با همان قیود مربوطه بوده است و با این بیان با هجرت به یثرب و تشکیل دولت اسلامی با نزول آیه ۱۹۰ بقره به پایان رسیدن دوره صبر اعلان، و مشروعیت حق دفاع و مقابله نظامی با محاربین قریشی صادر شده است. اما در اینکه آیا می توان یک حکم کلی گرفت یا خیر به نظر می رسد به دلیل شخصیه بودن قضیه، نمی توان حکم کلی صادر کرد. در اینکه متعلق حکم چه کسانی هستند به نظر می رسد چون قید «الذین یقاتلون» احترازی است پس متعلق حکم</p>

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		قتال، محاربین قریشی است که سال‌ها مسلمین را در فشار و اذیت قرار داده‌اند و نه مطلق کفار و همین نظر را اطلاق فراز «لا تعدوا» که از تعدی در حکم و قتال با غیر محارب و غیر وجه الله نهی کرده و ارجاع ضمیر به همین افراد در آیه بعد «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ..» که کشتن به محض دیدن است نیز تقویت می‌کند.

۲-۳. مرحله سوم: وجوب قتال دفاعی و تعیین هدف حکم و بیان وظایف مجاهدین

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>۲-۳-۱. طایفه اول: وجوب قتال دفاعی و هدف آن</p> <p>بعد از اذن به قتال طبیعی است هدف آن مشخص گردد تا دعوت به اسلام وسیله‌ای برای تصفیه حساب‌های شخصی و قبیله‌گی نشود. از این رو طبق مدلول آیات ۱۹۱ و ۱۹۳، هدف از قتال، ریشه کن نمودن جنس فتنه است. و چون به هر چه که موجب اختلال در نظم و اعمال فشار و محدودیت است فتنه گویند (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۲۴). حکم قتال دفاعی نه تنها شامل تهاجم نظامی، بلکه هر گونه اعمال فشار، اذیت و اختلال در امر دعوت نیز از عواملی است که فتنه محسوب شده و مجوز قتال دارد و قید «الذین یقاتلونکم» در آیه پیشین، به واسطه عمومیت دلیل (فتنه) وسعت معنایی یافته و شامل محاربه نظامی و هر امری که موجب عذاب و اختلال در امور مسلمین است می‌شود. با این بیان، هدف قتال، محو جنس فتنه‌ای است که دشمنان برای مسلمین و حکومت اسلامی در برهه‌های مختلف ایجاد کردند و طبق مدلول آیه ۱۹۱ «وَأَقْتُلُوهُمْ» امر به وجوب این قتال داد شده و صرف اذن دیگر نیست و فراز «وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ</p>
	۱۹۱	
	۱۹۳- ۱۹۲	
	-	
	۱۹۴	
	۲۱۷	
	۲۱۶ بقره	

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>عند. « حکم ابتدایی آیه را مقید به غیر مسجدالحرام نموده مگر کفار تهاجم کرده که در این صورت دفاع واجب است و مفهوم آیه ۱۹۲ نیز این نظر را تقویت می‌کند. و چون این آیه خصوص حکم مقابله به مثل، در مسجدالحرام است در فراز «فمن اعتدی...» آیه ۱۹۴، مجوز قتال دفاعی در برابر دشمن محارب به طور مطلق داده شده است.</p> <p>با استناد به آیه ۱۹۳، فقها (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳؛ سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲؛ قرطبی، ۱۴۳۵ق، ج ۱، ص ۳۰۶؛ ابن همام، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۸۰؛ جصاص، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۱۰)، حکم به وجوب قتال ابتدایی دادند و حتی برخی عموماً جهاد در این آیه را مختص به حکومت امام معصوم <small>علیه السلام</small> ندانسته و قتال با فتنه‌گر را در صورت تشکیل دولت اسلامی واجب شمرده‌اند (قمی، محمد مومن، ۱۳۹۵) و برخی نیز مناط حکم را دعوت، اعتلای کلام الله و دفع شر کفر دانند (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۸). چنانچه طبق مدلول آیه ۳۸ انفال، کفر، جلوگیری از یاد خدا و اذیت مسلمین، مستوجب عذاب به‌عنوان یک سنت الهی است. از منظر نویسنده چون معدوم شدن فتنه در آیه ۱۹۳ در سیاق نفی و غایت حکم است طبق قاعده باید مفید عموم باشد اما ارجاع ضمیر «هم» به کفار یورش آوردنده و تازه تأسیس بودن حکومت، قیودی است که آن را مقید به رفع فتنه خاص دوران حکومت نوپای پیامبر می‌کند یعنی اطلاق افرادی است و نه زمانی و فراز «ویکون الدین لله» در آن زمان اشاره به دین توحیدی در جزیره العرب دارد. هرچند با نزول آیه ۳۹ انفال که شبیه به همین آیه است و به واسطه ادات عموم، حکم آیه اطلاق زمانی نیز پیدا می‌کند.</p> <p>با استناد به آیه ۲۱۶، برخی فقها (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۳۹؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۴؛</p>

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۱۷؛ شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۷۶؛ جصاص، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۶؛ مزنی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۷۶؛ ماوردی، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۱۸؛ شروانی، بی تا، ج ۹، ص ۲۱۱؛ شریینی، بی تا، ج ۱۷، ص ۲۲۱؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۹، ص ۱۹۷؛ شنیطی، بی تا، ج ۱۳۶، ص ۴، حکم به وجوب جهاد ابتدایی داده‌اند.</p> <p>طبق بیان مشهور کتب به معنای فرض و حکم آیه ۲۱۶، وجوبی است لکن به ادله روایی وجوب مطلق ندارد بلکه وجوبی مقدمی و مقید به شرط مصلحت و بیانگر حکمت حکم است و اینکه برخی مدلول "کتب" را به شاهی آیه ۱۸۰ بقره غیر از "فرض" می‌دانند (قرطبی، ۱۴۳۵ق، ج ۱، ص ۳۰۵) قابل قبول نیست؛ چراکه با استقرائی که انجام گرفت در قرآن این لفظ گاه در قضا حتمی خدا و لزوم تکوینی (حج، ۴) و گاه جمله خبری به معنای نوشته شده (توبه، ۱۲۱-۱۲۰) و حقوق تقدیر شده در حق زنان (نساء، ۱۲۷) استحباب (بقره، ۱۸۰) وجود حق (نساء، ۱۲۷؛ بقره، ۱۷۸) وجوب حکم (بقره، ۱۸۳-۱۷۸) و مقرر شدن قانون قتال (نساء، ۷۷؛ آل عمران، ۱۵۴؛ بقره، ۲۱۶-۲۴۶) بکار رفته است. با این بیان به قرینه مدلول «فتنه» در آیات قبل دامنه دفاع وسیع تر از حمله نظامی شمرده شد و تحدید ارزش‌های مسلمین و ممانعت از دعوت، آزار مسلمین از مصادیق دفاع از ارزش‌های انسانی محسوب می‌شود و داخل در حکم است. که ما به دفاع اعم از آن نام می‌بریم؛ یعنی به منظور دفاع، قتال واجب شده است.</p> <p>قتال در آیه ۲۴۴، مطلق و قتال ابتدایی به منظور دعوت را در بر می‌گیرد اما تازه تأسیس بودن حکومت و حضور منافقین و یهودیان در مدینه و همچنین سیاست عدم اجبار به دین (بقره، ۲۵۶) قرینه‌ای صارفه است که از اطلاق آیه دست کشیده و آن را محدود به دفاع اعم بدانیم. چون طبق مدلول آیه ۲۵۱ دفاع جزء ضرورت‌های حیات بشر است.</p>

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>ظاهر آیه ۲۱۷، تحریم قتال در ماه حرام است اما از قضایای شخصیه و مربوط به سریه بدر اولی است که قبل از غزوه بدر به فرماندهی عبدالله بن جحش رخ داد (یعقوبی، بی تا، ص ۱۲۱؛ ابن هشام، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۴). این سریه اطلاعاتی بود و مجوز قتال نداشت اما قتال درحالی که ماه حرام بود رخ داد و موجبات یک سری ابهامات شد. با نزول آیه، حکم حمله نظامی در ماه حرام گناهی بزرگ شمرده شد لکن فتنه انگیزی و حرمت شکنی، را شدیدتر دانست اما چون "قتال فیه" نکره در سیاق اثبات است شمول نداشته یعنی این گونه نیست که همه قتال‌های در ماه حرام گناه بزرگی باشد</p>
	۲۱۸ - ۲۴۴-۲۵۱	<p>۲-۳-۲. طایفه دوم: بیان فضیلت جهاد و تبیین کیفیت قتال</p> <p>آیه ۲۱۸، به صورت قضیه حقیقه بیانگر آن است که کسانی که در راه خدا و اعتلای کلمه الله نهایت تلاش خود را بکار بندند مشمول رحمت الهی هستند و ذکر سرگذشت بنی اسرائیل و بهانه تراشی‌ها برای فرار از قتال از آیات ۲۴۳ تا ۲۵۱ به جهت عبرت گیری و امر به آیات ۱۶-۱۷-۵۷، انفال در ضرورت آمادگی و احکام دفاع است. دلالت آیه ۶۰ در بکارگیری همه توان در دفاع از مرزها واضح و به مناسبت حکم و موضوع به لزوم آمادگی رزمی و بهره‌مندی از فنون مختلف نظامی و ابزار آلات هر عصر حکم می‌شود.</p>
۸۸	۱۶-۱۷ ۴۵-۵۷-۶۰ انفال	<p>۲-۳-۳. طایفه سوم: تعمیم حکم وجوب قتال دفاعی اعم، به همه زمان‌ها و مکان‌ها</p> <p>هرچند در آیه ۳۹ طبیعت قتال، ضمن مصداق معین جنگ بدر آمده و قضیه‌ای شخصیه است و مرجع ضمیر، کفار قریش است، همان‌ها که در صورت ادامه روند کفر در دایره سنت الهی باید توقع عذاب و انتقام داشته باشند (انفال، ۳۸) اما از حکم قتال «دفاعی اعم» رفع خصوصیت</p>

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>می شود چون فراز «وَيَكُونُ الَّذِينَ كَفَرُوا» به صراحت ادات عموم (کل)، عمومیت افرادی و زمانی دارد بدین منظور انعدام فتنه به دلیل مطلقه بودن ماهیت آن، منوط به انعدام همه افرادش است و باید تمام افراد فتنه از روی زمین ریشه کن شود و این از خصایص امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> با علم لدنی اوست، چنانچه مفسرین با استناد به احادیث، فعلیت این حکم را به ظهور امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> نسبت داده اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۴) و آیه ۶۵، یا در تحریر بر قتال دفاعی اعم آمده و یا نوعی تشویق قبل از جنگ است.</p>
۸۹	<p>آل عمران ۱۴۶-۱۵۶ ۱۶۷-۱۹۵ ۱۵۷، ۱۷۱ ۲۰۰</p>	<p>۲-۳-۴. طایفه چهارم: آیات مربوط به جنگ احد و شکست مسلمین و نمایان شدن ضعف و قوت ایمان مومن از منافق است و بیاناتی جهت تقویت روحیه و اجر و فضیلت قتال.</p>
۹۰	۲۵ احزاب	
۹۱	<p>سوره نساء ایات ۸۹- ۹۰-۹۱</p>	<p>۲-۳-۵. طایفه پنجم: جداسازی کفار غیرمحارب از محارب در آیه ۱ خطاب عدم مودت و دوستی با کفار، به تمامی مومنین است و در آیه ۸ صراحتاً بیان می کند مسلمین از عدالت ورزی و نیکی نمودن با کفاری که به مقاتله در دین بلند نشده و فتنه انگیزی نمی کنند نهی نشده و حتی در جهت اثباتی مقسط بودن را مورد حب خود قرار داده است و در آیه ۹ منحصراً از دوستی با کفاری که در مورد دین به مقاتله برخواسته و فتنه انگیزی دارند نهی کرده و منظور از اخراج به مناسبت حکم و موضوع، ایجاد ممانعت از انجام کار و فعالیت تبلیغی آیینی نیز هست. اما نسبت به کفار غیرمحارب توصیه به رعایت قسط شده است؛ بنابراین</p>

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		اطلاقات آیات قتال به این دو آیه مقید و به کفار محارب انصراف دارد. در آیه ۸۹ نساء، یکی از مصادیق محاربه ارتداد شمرده شده و در آیه ۹۰ از حکم فراز " فَإِنْ تَوَلَّوْا .. " دو طائفه استثنا شده که به دلالت مفهوم اگر متعرض مسلمین شدند داخل در حکم قتال هستند. و در آیه ۹۱ در اعلام بی طرفی، از منافقین بر حذر و در پذیرش آن دقیق باشند.

۲-۴. مرحله چهارم: مشروعیت قتال ابتدایی در حمایت از مستضعفان جهان و احکام مربوطه

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
۹۲	نساء ۷۴-۷۵	<p>۲-۴-۱. طایفه ۱: تحریض به نجات مسلمین مستضعف</p> <p>ظاهر از امر در آیه ۷۴ نساء، وجوب است اما با توجه به فراز پایانی، اعطای اجر عظیم به مقاتلین و آیات بعد و دستور به اطاعت از رسول در آیات پیشین، نشانگر آن است که گویی مسلمین در تبعیت از حضرتش در امر قتال لغزش‌هایی داشتند و مدلول آیات ۵۹، ۶۴، ۶۹ به همین امر اشاره دارد، طوری که برخی از شرکت در جنگ سستی نموده در حالی که در دوران مکه تمنای قتال داشتند (نساء، ۷۷) و بعد از هجرت کراهت نشان دادند از این رو آیه به جهت تحریض در «قتال نجاتی» و توییح تعلل کنندگان نازل شد؛ چرا که طبق آیه ۷۵ مسلمین توجه جدی به درخواست کمک مستضعفین نداشتند بدین روی با به کارگیری استفهام انکاری افزون بر آنکه مومنان را نسبت به مسولیت خود تذکر می‌دهد آنان را در استیفای حق مسلمین ترغیب و به تناسب حکم و موضوع، وجوب سعی و تلاش مؤمنین در راه استخلاص مستضعفین استفاده می‌شود. و با توجه به اینکه «قریه» اشاره به مکه و جریان اخراج مسلمین را دارد</p>

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		حکم آیه مختص به مستضعفین مکه است چنانچه برخی گویند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۴۱)، اما می توان با تنقیح مناط آن را تسری داد و در هر جای دنیا در صورت تکمیل شرایط از جمله وجود دولت اسلامی قدرتمند و رهبری عادل و پشتوانه مردمی و مصلحت عامه دفاع از مستضعفین به استناد این آیه واجب است چنانچه آیه ۳۹ انفال و حج بدان اشاره شد.
	۸۴-۷۶	۲-۴-۲. طایفه ۲: مخاطب قتال، نظام کفر و طاغوت است آیه ۷۶ جمله خبری به داعی انشاء است هر چند امر به جهاد مطلق است اما فراز پایانی بیانگر نظام کفر و حاکمان فتنه گر و طاغوت پیشه است. آیه ۸۴ امر به قتال را متفرع بر ماقبل نموده و چون در آیات پیشین از سستی برخی مسلمین سخن رفته تأکید دارد نباید استراتژی قتال در موعد خودش به سبب سستی معوق شود و پیامبر ﷺ به عنوان رهبر نظام اسلامی مکلف به قتال با نظام کفر است.
۹۵	محمد ۴-۲۰	۲-۴-۳. طایفه ۳: در آیه ۴ سوره محمد ﷺ، منظور در میدان جنگ رحم نکردن است و آیه ۲۰ توییحی بر مومنین است که از قتال در راه دفاع از مستضعفان به دلایل واهی دست کشیده اند. آیه ۴، وصف در کیفیت جهاد و پایداری در قتال و از منظر نویسنده مفهوم گیری از آیه صحیح نیست چنانچه علامه (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۴۹) معتقد است؛ چون با رفتن این قید محبت به سبب قتال از بین می رود نه آنکه با ارتفاع قید قتال سنخ همه محبت ها برود.
۱۰۹	صف ۴	
	حج ۳۹-۴۰- ۷۸-۵۸	۲-۴-۴. طایفه ۴: اذن صریح قتال به هدف دفع ظلم از مومنان، به طور مطلق از منظر نویسنده و برخی مفسرین (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۰۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۱۳) سوره حج مدنی است چون قبل از آن سوره نور که بدون اختلاف مدنی است نازل شده، ضمن آنکه اذن قتال بعد از هجرت

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>آمد و اینکه دو آیه اول در شب غزوه بنی المصطلق در سال ۵ یا ۶ هجرت نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۴۱؛ ابن هشام، بی تا، ج ۴، ص ۲۵۲) و صرف سازگاری مضمون آیه با آیات مکی، دلیلی بر مکی بودن نیست به شاهدیت سوره زلزال که مدنی است.</p> <p>در دلالت آیه ۳۹ برخی آن را اولین آیه در اذن قتال (حلی (علامه)، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۰؛ سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲؛ شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۶۹؛ نمری، ۱۴۰۳ق، ص ۹۵) و برخی بر وجوب قتال مشرکین مکه (قمتی، (سیدصادق)، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۷) می دانند اما چنانچه بیان شد اولین آیه در مشروعیت مبارزه مسلحانه، آیه ۱۹۰ سوره بقره است. بنابراین، آیه یا خبری از اذن سابق است (بقره، ۱۹۷) و یا انشایی است. ظاهر از سیاق، انشاء اذن قتال به سبب ظلمی است که در آیه ۴۰ به آن اشاره شده و البته به سبب قید «یقاتلون» که به صیغه مجهول آمده یعنی کسانی که مورد قتل واقع می شوند از این رو اطلاق حکم، مقید به محاربین کفار است و فراز «ربنا الله» نشانگر آن است که مشرکین بخاطر دین، به قتال آمدند و حکمت تشریح حکم بنا بر فراز میانی آیه ۴۰ حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین است و جمله «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ» در آیه ۴۱ ناظر بر عمومیت حکم است؛ یعنی هر کس در روی زمین دارای قدرت و نفوذی شده در قتال با ظالمان اذن دارد؛ با این بیان آیه انشای حکم به لسان ترغیب با همه ظالمان است. و طبق آیه ۷۸ اشاره به معنای اعم جهاد یعنی نهایت تلاش در دفع هر نوع دشمنی دارد.</p>
۱۰۱	حشر ۱۴-۱۲-۱۱	۲-۴-۵. طایفه ۵: در مقام مذمت منافقین، وجوب جهاد با بغات به موضوع رساله ربطی ندارد.
۱۰۴	۴، منافقون	
۱۰۶	۹ حجرات	

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
۱۰۷	۹ تحریم	۲-۴-۶. طایفه ۶: توجه به بکارگیری نهایت تلاش در اصلاح جامعه در برخورد با کفار و منافقین جهاد در آیه ۳۵ مائده نیز معنای عام دارد ضمن آنکه "و جاهدوا" متصل به جمله قبل است که در آن وسیله عبارت بود از مطلق هر چیزی که بنده بوسیله آن به خدا تقرب می جوید، چنانچه طبرسی بیان کرده از قبیل عبادات و ترک زشتی‌ها (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۲۷)، در نتیجه آیه تحریمی بر بکارگیری نهایت تلاش در راه دین است که خود وسیله‌ای برای درک ثواب است.
۱۱۱	۲۲ فتح	۲-۴-۷. طایفه ۷: توجه به مسئله صلح در ضرورت و ناکامی کفار و دلداری به مسلمین براساس مقتضیات زمان
۱۱۲	۳۳-۶۴ مائده:	۲-۴-۸. طایفه ۸: منظور از محارب در آیه ۳۳ به قرینه فراز بعدی و عدم اجرای احکام آیه با کفار، محاربین از مسلمین است و ربطی به موضع بحث ندارد. آیه ۶۴ خصوص امدادهای غیبی در مواجهه با کفار کتابی است.

۲-۵. مرحله پنجم: مشروعیت قتال ابتدایی به منظور دعوت به اسلام با مشرکان محارب

مکه و پاکسازی حکومت

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
۱۱۳	توبه ۵- ۱۲-۱۳	برخی فقهای امامیه به آیه ۵ توبه در اصل وجوب جهاد (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۳۹؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳؛ حلی (علامه)، بی تا، ج ۹، ص ۷؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ نجفی، بی تا، ج ۲۱، ص ۹؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶۰) و برخی دال بر وجوب قتال ابتدایی در هر مکان و هر زمان (قمی (محمد مومن)، ۱۴۲۵ق، ج ۱، صص ۴۵۹-۴۶۰) و اهل سنت در وجوب جهاد ابتدایی (جصاص، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۵؛ سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲؛ ابن همام، بی تا، ج ۱۲، ص ۳۸۰؛ داماد افندی، بی تا، ج ۱، ص ۶۳۲؛ دمیاطی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۰۵) استناد کرده‌اند

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>از منظر نویسنده بعد از فتح مکه و قدرت یافتن حکومت، پاکسازی مکه از مخالفان داخلی محل جامعه، امری ضروری بود. از این رو هر چند طبق مدلول آیه ۱ بیزاری از مشرکین هم پیمان است اما علت بیزاری صرف عهدشکنی نیست چون وفای به عهد، شرط ضمنی عقود است و عدم وفا به عهده‌ای که شکسته شده، امر عقلایی است، بنابراین منظور بیزاری از تمام پیمان‌ها به آنهاست که مسلمین به هر قیمتی خود را ملزم به وفای آن می‌دانستند و با توجه به آیات بعدی این بیزاری دلالت بر نهی از پایبندی به عهود دارد چنانچه بیان شده نهی از عقد در جایی که مسبب باشد مستلزم بطلان است و طبق مدلول آیه ۳ بیزاری خدا و رسولش نه تنها از پیمان‌ها بلکه از خود مشرکین و عقاید آنها است و فرصت ۴ ماهه نه تنها مهلتی برای اندیشیدن و اَلتیماتومی برای مشرکین است بلکه مسلمین نیز برای هدایت هم پیمان خود تلاش کنند. البته مشرکینی که عهد شکستند، طبق مدلول آیه ۴، تا پایان مدت پیمان مصون از حکم آیه ۵ یعنی قتل به محض دست یافتن هستند.</p> <p>امر در آیه ۵، علی‌الظاهر مطلق است اما به اجماع هر دو قسم و روایات مخصوصه^۱ این جهاد به شرط حضور امام معصوم <small>علیه‌السلام</small> و بسط ید اوست؛ چنانچه صاحب جواهر به آن نظر است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۱۱) و با این بیان به قرینه عرفیه و عقلیه منظور مشرکین محلی آن روزگار است که قابل شناسایی بوده و تعمیم حکم به همه زمان‌ها و مکان‌ها بعید است. چرا احتمال ورود مشرکین به دلیل وجود کعبه و مرکزیت تجاری، زیاد بود و این احتمال که یکسری درگیری‌ها و قتل‌های شخصی به این حکم نسبت داده شود قیودی است که قابل شویم مشرکین اطلاق افرادی ندارد بلکه موضوع حکم</p>

۱. در بخش روایات به آن پرداخته شده است.

ترتیب نزول	مشخصات آیه	طوایف آیات
		<p>محرابین مشرک قریش است کسانی که سال‌ها خدعه داشته و ادله و براهین بر آنان اثر نگذاشت. بویژه منع از ورود و کشتن مطلق مشرک، نوعی عقاب بلا بیان است که از مولای حقیقی قبیح است.</p> <p>از سیاق آیه ۱۲ مراد از ناقضین عهد، غیر آن مشرکین است که در آیات قبلی به علت نقض عهد، پیمانشان ابطال شد و به شهادت تاریخ، پیامبر با دو گروه مشرک و یهودی‌ها عهد داشت و به نظر می‌رسد این آیه یا اشاره به مشرکینی دارد که اسلام آوردند و بعد عهد شکسته و مرتد شدند و یا کفار اهل کتابی که بعد از امضای پیمان عدم تعرض، آن را شکستند که قیود طعنه زدن به دین و ائمه کفر، با اهل کتاب سازگارتر است. که طبق منطوق آیه آنها باید کشته شوند چون روسای کفر هستند خصوصا بعد از مراجعت رسول خدا ﷺ از جنگ تبوک آیه نازل شده و پیامبر مأمور شد با مشرکین آن زمان اتمام حجت کند البته بعید نیست قایل شویم بعد از گذر از مهلت مقرر چه آنها که سر جنگ دارند و چه آنها که کنار بودند مخیر شدند یا اسلام آورند و یا منطقه حرم را ترک کنند و الا محکوم به مرگ هستند. خصوصا اعطای فرصت فکر و اندیشه با درخواست پناهندگی بیانگر همین نظر است. و البته این استراتژی باعث شد بسیاری از قبایل مسلمان شوند چنانچه در کتب تاریخی به عام الوفود معروف است (نمری، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۳).</p> <p>و چون در جریان فتح مکه عده‌ای زیاد در زمره طلقا واقع شدند و در غزوات شرکت کردند با اینکه هنوز علقه آنان به هم پیمانانشان از بین نرفته بود از طرفی حکم کشتن هم پیمان برای برخی مسلمین سنگین بود لذا آیه ۱۳ با ادات تحذیریه سعی دارد اعتداء و تجاوز مستمر، خیانت‌های اهل کتاب و اذیت‌های مشرکین و پیمان شکنی‌ها را یادآوری و بر قتال تحریض نماید.</p>

۲-۶. مرحله ششم: وجوب قتال ابتدایی

	<p>۲-۶-۱. طایفه ۱: وجوب قتال ابتدایی با مشرکین محارب حجاز</p> <p>آیه ۱۴ ظهور در وجوب قتال ابتدایی دارد و سیاق آیه و ارجاع ضمیر «هم» در قَاتِلُوهُمْ به مدلول آیه پیشین بیانگر آن است که موضوع حکم قتال مشرکین محارب عصر رسول است. امر در آیه ۳۶ را بسیاری از فقها، دلیل قطعی وجوب قتال با مشرکین دانند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶؛ جصاص، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۶؛ ابن همام، یتا، ج ۱۲، ص ۳۸۰؛ شروانی، یتا، ج ۹، ص ۲۱۱؛ شربینی، بی تا، ج ۱۷، ص ۲۲۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱۰). در کیفیت قتال نیز طبق مدلول آیه، تشکیل صف واحد و ملاک است.</p>
	<p>۲-۶-۲. طایفه ۲: وجوب قتال ابتدایی با اهل کتاب به منظور دعوت به اسلام و احکام مربوطه</p> <p>امر در آیه ۲۹، از اوامر قطعی و به دلیل اطلاق، در قتال ابتدایی با اهل کتاب ظهور دارد طبق بیان وحی باید با اهل کتاب تا زمانی که اسلام آورند یا قبول جزیه کنند قتال کرد. هر چند قضیه شخصی و مربوط به تعیین کردن وضعیت اهل کتاب زمان نبی اکرم ﷺ است اما تشکیل حکومت اسلامی، موردی است که از آن الغا خصوصیت می کند.</p> <p>منطوق آیه ۳۸ و ۳۹ صراحتاً ثقل بر زمین را موجب عذاب الیم دانند که با عینی بودن جنگ سازگار است و از طرفی خطاب توییخی خدا که به لسان نبی ﷺ به برخی قاعدین از جنگ آمده نشان از وجوب عینی جهاد دارد اما نه از نوع دفاعی چون، جای استیدان و قعود در آن معنا ندارد بلکه عدم استقبال از فراخوان قتال ابتدایی، موضوع را به وجوب عینی مبدل کرد؛ بویژه براساس شان نزول، بیم حمله دشمن می رفت با این بیان قتال در تبوک ابتدایی و به منظور تأدیب دشمن و قدرت‌نمایی مسلمین و یک عملیات پیشگیرانه بود.</p> <p>آیه ۳۹ در ترغیب قتال فی سبیل الله است و چنانچه نفر در لغت به معنای به هیجان آوردن از چیزی به چیزی و استنفار به تشویق مردم به جنگ و طلب بسیج مردمی است (اصفهان، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۱۷). آیه دلالت بر وجوب جمع</p>

	<p>شدن در صورت فراخوان عمومی دارد چنانچه برخی بدان اشاره کردند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۹۳؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، صص ۴۷-۴۸).</p> <p>در آیه ۴۴ اذن گرفتن قرینه‌ای است که منظور از جهاد، قتال در راه خداست.</p> <p>در آیه ۷۳ جهاد معنای اعم دارد و چون امر مطلق است به حسب شرایط از وسایل جهاد باید استفاده نمود و هرچند امر متوجه پیامبر است اما لازمه قهری آن طبق آیه ۱۲۰ اهل مدینه و اعراب هستند و چون در فراز پایانی آنان را به پاداش و عدم ضایع شدن اجر محسنین نوید داده اشاره به جهاد ابتدایی دارد. هرچند طبق مدلول آیه ۱۲۲ عده‌ای جهاد اخص و برخی به جهاد علمی مأمورند که البته با منطق اسلام سازگار است که دعوت به اسلام قدم به قدم است و باید مومنین نسبت به همه احکام و اصول و عقاید تبحر داشته باشند.</p>
۱۲۳	<p>۲-۶-۳. طایفه ۳: ارشاد به قتال ابتدایی با کفار محارب اعم از کتابی و غیر کتابی</p> <p>امر در آیه ارشادی و آیه ظهور در عموم دارد یعنی مسلمانان جهان با کفاری که مانع نشر اسلام هستند و یا قصد استیلا بر مسلمین دارند بجنگند اما بحکم عقل الاقرب فالاقرب و با در نظر داشت همه جوانب. البته در آیه کفار به صورت مطلق آمده اما بواسطه آیات (۸، ۹، ممتحنه) مقید به کفار محارب است این حکم یک قضیه حقیقیه و متصدی بیان حکم کلی و جاری در هر زمان و مکانی است که موضوع آن محقق شود.</p>
	<p>۲-۶-۴. طایفه ۴: آیاتی که غیر وجوبی است</p> <p>برخی توجه به خودسازی و جهاد با نفس ۱۶- ۴۱ و مدح مجاهدین واقعی ۱۶- ۱۹- و برتری آنان ۱۹، ذم دنیا طلبان بی میلی به جهاد، فضیلت و پاداش مجاهدین ۲۰- ۲۴- مومن ۱۱۱ و نشانه‌های نفاق آیه ۸۶، ۱۰۷ و مصادیق جهاد ۸۸، هرچند مدلول آیه ۴۱ را برخی فقهای امامیه بر وجوب (نجفی (کاشف الغطاء)، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۸۸- ۲۹۵؛ عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۱۸) و برخی فقهای اهل سنت در وجوب قطعی ۱۱۱- جهاد آورده‌اند (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۷۰؛ جصاص، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۶؛ مزنی،</p>

	<p>۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۳۷۶، ابن قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۱۶؛ زرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۲۶؛ زحیلی، ۱۳۹۷، ص ۸۵) و برخی نیز بر وجوب عینی جهاد به هنگام بسیج عمومی (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۸) حکم دادند.</p> <p>اما از منظر نویسنده آیه به اطلاق بر وجوب استفراغ وسع در راه اعتلای کلمه الله دلالت دارد و فراز خفافا و ثقالا بیانگر آن است که هر فرد به مقدار توانایی باید نهایت تلاش خود را بکار گیرد و چون تکلیف بر مکلف مقدور جعل شده از این رو هر مسلمان به اندازه توانایی و مقتضای حال و نیاز وظیفه جهاد دارد.</p>
--	--

۳. ادله روایی

در بررسی روایات صحیح و موثق پیرامون صلح و جنگ روایات به طوایفی مختلفی تقسیم می شود که در استدلال به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. روایاتی که به دلالت التزامی ترک جهاد را جایز نمی دانند چه جهاد اخص یا اعم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲).

۲. روایاتی که به طور مطلق دلالت بر وجوب قتال دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲).

۳. روایاتی که وجوب جهاد را مقید به حضور امام عادل کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۸).

۴. روایاتی که تاویل آیه ۳۹ انفال را به زمان حضرت حجت علیه السلام موکول کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰۱).

۵. روایاتی که دال بر مشروعیت جهاد با حضور امام زمان علیه السلام و خروج سفیانی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۰).

۶. روایاتی دال بر عدم جواز جهاد با امام جائر دارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳۶) و نشان می دهد زمان جهاد وقت خاص داشته و به مناسبت حکم و موضوع وقت ظهور فهمیده می شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، صص ۳۰-۳۲).

۷. روایاتی که هدف جهاد را دعوت و اصلاح امت و اجرای حق الله قرار داده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، صص ۲۸-۲۹).

۸. روایاتی که به رفق و مهرورزی نسبت به دیگر پیروان مذاهب سفارش دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۶۷).

۴. جمع آیات با روایات

۱. آیه ۱۹۰ و ۱۹۴ بقره، اطلاعات آیات قتال و روایاتی که به طور مطلق دلالت بر وجوب قتال دارد یا ترک آن را جایز نداند، مقید به دفاع نموده و این دفاع به دلیل عمومیت دلیل (فته) در آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ بقره و ۳۹ انفال، وسعت معنایی یافته و شامل هر امری که موجب فتنه است می شود؛ از این رو قتال پیشگیرانه با نظام کفر به منظور دفع فتنه براساس مدلول آیه ۳۹ انفال و دفع ظالم به سبب تحمیل ظلم، طبق مدلول آیه ۳۹ و ۴۰ حج و حفظ مجتمع دینی از ظالمان طبق مدلول آیه ۴۱ حج در هر زمان و عصری واجب است. همچنین طبق مدلول آیه ۲۱۶ سوره بقره در صورتی که بیم تهاجم اعم دشمن محارب به ممالک اسلامی باشد حاکم اسلامی با در نظر گرفتن قوت و قدرت مسلمین موظف به دفاع اعم (ولو ابتدایی و پیشگیرانه) است و این یک وجوب مقدمی به شمار می رود.

۲. اطلاعات آیات قتال همچون آیه ۲۴۴ بقره و ۶۵ انفال، براساس آیه ۷۴-۷۶ نساء، ۴۰ حج، ۹ ممتحه مقید به قتال با محاربین و نظام کفر محارب است و آیه ۸ ممتحنه و روایات مهرورزی به پیروان مذاهب موید همین امر است.

۳. آیات و روایاتی که مشعر به قتال ابتدایی، قتال به محض دست یافتن و دعوت به اسلام هستند همچون ۵ توبه به دلیل روایات صحیحه، مقید به حضور معصوم علیه السلام شده است که در عصر رسول براساس آیات ۱۴ و ۳۶ توبه و تلازم عقلی مقید به مشرکین محارب و فتنه گر بوده و در دوران غیبت ممنوع است و روایات تأویل آیه ۳۹ انفال در دولت امام زمان و صحیحه ابن مغیره که دال بر عدم جواز شرکت در جهاد با امام جائر دارد نیز مشعر به همین امر است چون در آن زمان قتالها پوششی، برای کشور کشایی و دعوت به خود و نه دعوت به اسلام بود.

نتیجه‌گیری

عموم فقها در رویارویی با نظام کفر اصالت را به جهاد قتالی داده و برخی نیز صلح را اصل می‌دانند اما با تکیه بر مبانی مشترک و توصیه بر صلح ادیانی (آل عمران، ۶۴) با نظر به مطلق نبودن این توصیه (محمد، ۳۵) و مقید بودنش به مصلحت (انفال، ۶۰) حکومت اسلامی در رویارویی با نظام غیراسلامی و امثال تکلیف، موظف به کنش و واکنش براساس مقتضیات است. با نظر به آیات و روایات مشخص شد در مسیر رویارویی حکومت اسلامی با کفار، آیات مکی با مدنی رویکرد متفاوت داشته و با تفکیک کفار محارب از غیر محارب و توجه به مقتضیات روزگار، اسلوب‌های مختلفی در حوزه فردی و حکومتی به‌عنوان الگوی عملی معرفی شد. چنانچه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسیر رسالت خویش ابتدا مأمور به تبلیغ سپس مجادله به احسن و در نهایت با استقرار حکومت، اذن قتال به صورت مرتبه‌ای یافت. تا در نتیجه این تلاش، مردم جهان آزادانه با قوانین عادلانه و جهان شمولی آن آشنا و با مقایسه حق و باطل به سمت حق روی آورده و با پذیرش اسلام قدمی برای شکل‌گیری حاکمیت سیاسی اکثریت شهروندان جهان که امروزه به آن دموکراسی گفته می‌شود برداشته شود و زمینه ایجاد حکومت جهانی عادلانه به رهبری امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام فراهم شود. بدین ترتیب نگرشی نو بدور از تعصب، به آیات مربوط به «جنگ» و نحوه معامله با اقسام نظامات غیراسلامی به ترتیب نزول آیات و گردش روزگار، کمک شایانی در فهم مسئله و نظام‌سازی مواجه حکومت‌های مسلمین با نظام کفر به حساب آمد.

چنانچه گذشت در مکتب اسلام دعوت به حق از دعوت پنهانی شروع و با مهیا شدن شرایط دستور به قتال به هدف دفاع از خود و دفع ظلم و تجاوزگری دشمنان (حج، ۳۹)، حمایت از مردم ناتوان و مستضعف (نساء، ۷۵)، تأمین امنیت و حفظ آزادی مذهبی (حج، ۴۰) صادر شد؛ چراکه طبق منطوق آیه ۳۰ سوره روم، خداوند مردم را بر دین اسلام آفریده است، بنابراین حق همه انسان‌ها است که اسلام به آنان عرضه شود و برداشتن موانع نشر و شناخت آن یکی از راه‌های دفاع از این حق فطری است؛ چراکه براساس ۲۵۱ سوره بقره، گاه زنده ماندن یاد خدا در زمین، منوط به دفع دشمنان خدا به دست

مؤمنین است. با این بیان جنگ، فی نفسه امری مذموم نیست و قتال در راه خدا به منظور دفع فساد، دفاع از مسلمین و بیضه اسلام و یا حمله ابتدایی به منظور دفاع از حق انسانیت، مشروع است و مقابله با کفر و فتنه‌گری حرکتی مثبت در جهت برقراری عدالت و امنیت با ابزاری معادل با روزگار است.

رویکرد این نوشتار توجه ویژه به سیر نزول آیات قتال است. از نقطه نظر این نظریه، قتال در راه خدا در امر دعوت به اسلام طریقت داشته و موضوعیت ندارد و آخرین طریق در سیر این فرایند با کفار محارب است. با تعیین مراحل مختلف مشخص شد در رویارویی حکومت اسلامی با نظام کفر در نظام بین‌المللی، اصالت نه به صلح است و نه به جنگ، بلکه وظیفه حکام اسلامی دعوت به اسلام با استفاده از ابزارهای موجود و اثرگذار هر عصر است. فرایندی که نیاز به شناسایی نقاط حرکت از نقطه اول به نقطه دوم داشته و رعایت ترتیب عملکرد در فرایند دعوت به اسلام، که الگوریتم آن توسط قرآن ترسیم شده است می‌تواند طلعه‌ای در رسیدن به دنیای واحد اسلامی باشد. با این بیان نه تنها جهاد معنایی اعم از قتال دارد و به هر نوع بکارگیری تلاش در مسیر دعوت و رفع فتنه گفته می‌شود بلکه گستره دفاع نیز اعم از دفاع در برابر تهاجم نظامی و دفاع از مقام انسانیت و ارزش‌های آن است. بدین ترتیب مراحل حکم دعوت از خفیف تا ثقیل در عصر نزول در شش مرحله به شرح ذیل تبیین شد.

مرحله مقاومت (مزل، ۱۰) و به کارگیری نهایت کوشش در استدلال و رفع شبهات (فرقان، ۵۲) و بیان اصول تاکتیکی دعوت به عنوان یک قانون کلی (نحل، ۱۲۵).

مشروعیت قتال با مشرکین قریش به منظور دفاع (بقره، ۱۹۰).

وجوب قتال دفاعی در برابر مشرکین مکه به هدف ریشه کن نمودن فتنه و تعمیم آن به هر نوع تحدید ارزش‌های مسلمین و آزار آنان و مشروعیت دفاع اعم (بقره، ۱۹۳-۱۹۱) و تعمیم حکم وجوب قتال دفاعی اعم در همه زمان‌ها و مکان‌ها (انفال، ۶۵-۳۵)، مقید نمودن اطلاعات آیات قتال به کفار محارب (بقره، ۱۹۰، ممتحنه، ۸-۹) و نظام کفر (نساء، ۷۶).

مشروعیت قتال ابتدایی در حمایت از مستضعفان جهان (حج، ۴۱، انفال، ۳۹).

مشروعیت قتال ابتدایی به منظور دعوت به اسلام با مشرکان محارب مکه و پاکسازی حکومت نوپای اسلام (توبه، ۵).

و جوب قتال ابتدایی به منظور دعوت به اسلام با مشرکین محارب منطقه (توبه، ۱۴، ۳۶) و پذیرش دین حق با کفار اهل کتاب (توبه، ۲۹، ۳۸، ۳۹) ارشاد به قتال ابتدایی با کفار محارب اعم از کتابی و غیر کتابی مطلقاً (توبه، ۱۲۳).

با الگوگیری از مراحل شش گانه، می توان نظام نامه رویارویی حکومت اسلامی با نظام کفر را به شرح ذیل مرحله بندی کرد.

در صورت عدم وجود حکومت صالحه و توانمند مقاومت در برابر اذیت کفار با تقویت قلوب، استواری در ایمان و به کارگیری نهایت وسع در ازاحه باطل و دفاع از مرز اسلام ولو به لسان و عدم رکون و مسامحه در این مرحله^۱.

دفاع از وطن اسلامی که مورد تهاجم حقیقی و مجازی دشمن واقع شده.

و جوب جهاد ابتدایی تحت عنوان دفاع اعم از مسلمین و مستضعفین جهان که مورد ظلم و تعرض محاربین واقع شده اند با به کارگیری نهایت تلاش در استفاده از ابزارها و در صورت عدم تأثیر، استفاده از آخرین ابزار نظامی. با نظر به مصالح عامه مسلمین^۲.

مشروعیت حملات پیشگیرانه و قدرت تمایبی نظامی در صورت بیم حمله دشمن محارب به ممالک اسلامی با در نظر گرفتن قدرت و توانایی های طرفین و اتحاد مسلمین. عدم جواز قتال ابتدایی به منظور دعوت به اسلام به دلیل تخصیص آیات قتال به حضور امام معصوم و عدم جواز قتال ابتدایی با امام جائز.

پیشنهادهات

۱. تشکیل "مجمع جهانی دعوة والنجاة" متشکل از دانشمندان جهان اسلام و رؤسای جمهور دولتهای اسلامی به فراخوانی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد

۱. مقاومت مردم غزه مصداقی از این مرحله است.

۲. به نظر حقیر امروزه جهاد با صهیونیست از هر نوعش واجب است.

تشکیلات جهانی به هدف بررسی فرایند دعوت به احسن، براساس مقتضیات سرزمینی و زمانی.

۲. ایجاد کمیسیون‌های مختلف زیر مجموعه مجمع، از جمله کمیسیون ساماندهی و تدوین نظام‌نامه سیاسی و روابط بین‌المللی اسلامی و بازنگری همه گزاره‌های موجود در متون دینی اعم از فقهی، توصیفی، کلامی بدون تعصب مذهبی با حضور فعالان حقوقی و فقهی.

۳. تشکیل کمیسیون نظامی و ارتش واحد جهانی متشکل از همه اعضای مقاومت و وزرای دفاع ممالک اسلامی به منظور دفاع از حق، مقابله با ظلم و ستم و برقراری صلح و امنیت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

* قرآن کریم

- سیدرضی، محمد. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آل بسام، عبدالله. (۱۴۲۳ق). توضیح الاحکام من بلوغ المرام. مکه مکرمه: مکتبه الاسدی.
- ابن منظور، ابو الفضل. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- ابن قدامه، أبو محمد الشهير، باین قدامة المقدسي. (۱۴۱۴ق). الكافي في فقه الإمام أحمد. بیروت: دار الکتب العلمیه
- ابن قدامه، أبو محمد. (۱۳۸۸ق). المغني لابن قدامة. قاهره: مکتبه القاہرہ.
- ابن عابدین، محمد أمين. (۱۴۱۲ق). رد المحتار على الدر المختار. بیروت: دار الفکر.
- ابن براج، قاضی عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ابن هشام البصري. (بی تا). سیرة ابن هشام.
- ابن همام، کمال الدین. (بی تا). فتح القدير، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، <http://www.al-islam.com>
- اردبیلی، احمد. (بی تا). زبدة البيان في أحكام القرآن. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- اصفهانى، راغب. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار العلم - الدار الشامیه.
- بحرانی، آل عصفور. (۱۴۲۱ق). سداد العباد و رشاد العباد. قم: کتابفروشی محلاتی.
- بغدادی، شیخ مفید. (۱۴۲۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- جزری، ابن اثیر. (بی تا). النهاية في غريب الحديث. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية. بیروت: دار العلم للملایین.

- جصاص، أحمد. (۱۴۳۱ق). شرح مختصر الطحاوی (محقق: عصمت الله عنایت الله محمد). دار البشائر الإسلامية - ودار السراج
- جمعی از محققان. (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه (تدوین مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جمل، سلیمان بن عمر. (بی تا). حاشیه الجمل علی شرح منهج الطلاب، مصدر الكتاب: موقع الإسلام <http://www.al-islam.com>
- حائری، سیدعلی. (بی تا). ریاض المسائل (ط - القدیمة). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حلبی، ابو الصلاح. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
- حلی، علامه. (بی تا). تذکره الفقهاء (ط - الحدیثة). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حلی، علامه. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- خامنه ای، سیدعلی. (۱۴۲۴ق). أجوبة الاستفتاءات (فارسی). قم: دفتر معظم له.
- خویی، سیدابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم.
- داماد، افندی. (بی تا). مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر. بیروت: دار إحياء التراث العربي
- دمیاطی، أبو بكر. (۱۴۱۸ق). إغانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین. قم: دار الفكر للطباعة والنشر
- دیلمی، سألر، حمزة بن عبد العزيز. (۱۴۰۴ق). المراسم العلویة و الأحكام النبویة. قم: منشورات الحرمین.
- راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- رشید رضا، محمد. (۱۴۲۶ق). الوحي المحمدي. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- زحیلی، وهبه. (۱۳۹۷). آثار جنگ از دیگاه فقه اسلامی (مترجم: عبدالحسین بینش، چاپ سوم). قم: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی.

زرکشی، شمس الدین. (۱۴۱۳ق). شرح الزرکشی، دار العیکان

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.

سرخسی، محمد بن أحمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط. بیروت: دار المعرفة.

شافعی أبو عبد الله. (۱۴۱۰ق). الأم. بیروت: دار المعرفة.

شریبینی، محمد. (بی تا). مغنی المحتاج إلى معرفة ألفاظ المنهاج، موقع الإسلام فقه شافعی
<http://www.al-islam.com>

شروانی، عبد الحمید. (بی تا). حواشی الشروانی علی تحفة المحتاج بشرح المنهاج. بیروت: دار الفکر.

شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). فتح القدر. بیروت: دار ابن کثیر.

شقیطی، محمد. (بی تا). شرح زاد المستقنع، مصدرالکتاب: دروس صوتیة قام بتفریغها موقع
 الشبکه الإسلامیة، <http://www.islamweb.ne>

شیرازی، سیدمحمد حسینی. (۱۴۲۶ق). الفقه، السلم و السلام. بیروت: دار العلوم للتحقیق و
 الطباعة.

صالحی نجف آبادی، نعمت الله. (۱۳۸۶). جهاد در اسلام. تهران: نشر نی.

صدری افشار، غلام حسین؛ حکمی، نسترن؛ حکمی، نسرین. (بی تا). فرهنگ نامه فارسی واژگان
 و اعلام. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. قم: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت
 حوزه علمیه.

طباطبایی سیدمحمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی
 جامعه مدرسین.

طوسی، ابو جعفر. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

طوسی، ابو جعفر. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار
 الجعفریة.

عاملی، شهید اول. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

عاملی، حرّ. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

عمانی، ابن ابی عقیل. (بی تا). مجموعة فتاوی ابن ابی عقیل. قم: بی تا.

عراقی، آقا ضیاء. (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمین. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: منشورات دارالرضی.

قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامية.

قمی، سیدصادق حسینی روحانی. (بی تا). فقه الصادق علیه السلام.

قمی، محمد مؤمن. (۱۴۲۵ق). الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

قمی، محمد مؤمن. (۱۳۹۵). جهاد ابتدائی آیت الله مؤمن (خلاصه مقالات ۱۶ آذر). قم: مدرسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام.

قمی، شیخ صدوق. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی.

قرطبی، ابن رشد حفید. (۱۴۳۵ق). بداية المجتهد ونهاية المقتصد. بیروت: دار الفکر.

کلینی، ابو جعفر. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية). تهران: دار الکتب الإسلامية.

کاسانی، علاء الدین. (۱۴۰۶ق). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. تهران: دار الکتب العلمية.

کوسج، إسحاق بن منصور. (۱۴۲۵ق). مسائل الإمام أحمد بن حنبل وإسحاق بن راهويه. بالمدينة المنورة: الجامعة الإسلامية.

مازندرانی، ابن شهر آشوب. (۱۳۶۹ق). متشابهة القرآن و مختلفه. دار الیادار للنشر

ماوردی، أبو الحسن. (بی تا). الحاوی الکبیر - الماوردی. بیروت: دار النشر/ دار الفکر.

ماوردی، أبو الحسن. (۱۴۲۲ق). الأحكام السلطانية. بيروت: دارالفکر.

مزنی، إسماعیل بن یحیی. (۱۴۱۰ق). مختصر المزنی (مطبوع ملحقاً بالأم للشافعی). بیروت: دار المعرفة.

مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر.

مطهری، شهید مرتضی. (بی تا). فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم: انتشارات شهید مطهری.

مغربی، ابو حنیفه، (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیهما السلام.

نجفی، صاحب الجواهر. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربي

نجفی، کاشف الغطاء، جعفر. (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثة). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

منتظری نجف آبادی، حسینعلی. (بی تا). رساله استفتاءات (منتظری). قم: دفتر.

نمری، حافظ یوسف. (۱۴۰۳ق). الدرر فی اختصار المغازی والسیر (محقق: دکتر شوقی ضیف). القاهرة: دار المعارف.

نوی، یحیی بن شرف. (۱۴۱۲ق). روضة الطالبین وعمدة المفتین (محقق: زهیر الشاویش). بیروت: مکتب الإسلامی.

واسطی، زبیدی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.

یعقوبی. (بی تا). تاریخ یعقوبی، عدد الأجزاء ۲، مصدر الکتاب: موقع الوراق

<http://www.alwarraq.com>